

عنوان مقاله:

کشمکش میان رویکرد تعقلی و تعبدی به فقه جزایی: درآمدی بر سیاست جنایی دولت در ایران

محل انتشار:

فصلنامه دولت پژوهی، دوره 2، شماره 8 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 35

نویسنده:

مهدی خاقانی اصفهانی - استادیار حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه حضرت معصومه (س) قم

خلاصه مقاله:

چالش تاریخی برهه های اقتدارگرایی سیاسی در ایران، بر ناکارآمدی سیاست جنایی کشورمان اثری پایدار داشته است. حقوق عمومی و خصوصا سیاست جنایی در ایران در هر دو منبع خود برخی آموزه های فقه شیعه و حقوقیغرب به علت فقدان یک ارتباط فعال و مستمر میان آن منابع، از یکسو و واگرایی حوزه های وسیعی از هنجارهای رسمی و غیر رسمی از دیگر سو، دچار چالش های متعدد و مزمن بوده است. کم توجهی به اقتضایات جامعه شناسی جرایم در ایران و ویژگی های جامعه ایرانی و نیز عدم روزآمدی و همسویی با خرد جمعی معاصر، دو ایراد دیگر این جریان سنتی سیاست جنایی اسلامی است. اما مهم ترین ایراد این جریان، میان رشته ای نبودن و عدم اهتمام به لزوم نقش آفرینی آموزه های فلسفی، جامعه شناختی و خصوصا مدیریتی سیاست جنایی است. تحلیل خطی و تک بعدی و بسنده کردن به روش فقهی به شیوه قیاسی، نشانگر یکسویه نگری جریان سنتی مذکور است. اندیشمندان حامی این جریان، می کوشند سیاست جنایی اسلامی را با همان شیوه صدور فتوا و اصول فقه عرضه کنند. این در حالی است که سیاست جنایی، یک علم داور و نظارتی نیست و باید در پی نظام سازی پارادایم محور باشد. این مقاله، پس از نقد سطح، میزان و نحوه حضور فقه در سیاست جنایی کنونی ایران، اشاراتی به ظرفیت های دیگر حوزه های معرفتی خوانش ها از اسلام (نظیر فقه مقاصدی) در طراحی نظریه بومی سیاست جنایی دارد و برخی مشترکات عقلانیت اسلامی و غربی را در ساخت این نظریه بومی نشان می دهد. فرضیه این مقاله، آن است که مهم ترین عوامل تحدید ناموجه آزادی و توسل ناروا به خشونت نرم در لایه های ذهنی و رهیافت های عینی سیاست جنایی، عبارتند از: ضعف بنیان های نظری، ضعف پایگاه اجتماعی، کم باوری به فرهنگ مشارکت در حوزه عمومی و ضعف در عزم جدی برای تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

کلمات کلیدی:

سیاست جنایی؛ مدل نظام مند؛ عقلانیت فقهی؛ اقتدارگرایی ایدئولوژیک

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/685249>

